

دیوار باغ، حریم امن خیال

چکیده | الگوواره باغ ایرانی نقشی ویژه و انکارناپذیر برای دیوار پیرامونیش رقم زده است. در ضرورت حفظ این جزء و نقش آن در اصالت تاریخی این میراث تردیدی نیست. با این همه برای تحلیل و تفسیر نقش دیوار باغ در حیات شهری و بازپرداخت و عرضه باغ ایرانی به مثابه یک عرصه عمومی، استدلالی قابل قبول وجود ندارد. متن حاضر به بازنگری نقش دیوار در برداشت مخاطب امروزی از کیفیت این محیط محصور می پردازد. بررسی تأثیر دیوار در ارزیابی هیجانی محیط معلوم می کند مشاهده علمی، هم راستا با مذاقه شاعرانه، دیوار باغ را دلیل خلق حریم امن در باغ می داند. مفهوم حریم امن، فارغ از توجیه تاریخی، نقشی نوین در فراهم سازی مقدمات تمرکز و خیال انگیزی دارد که در حیات پرتنش شهروند معاصر، ارزشی بی بدیل است.

واژگان کلیدی | باغ ایرانی، دیوار باغ، هیجان و انگیزش، ارزیابی هیجانی، خیال.



نیلوفر رضوی
دکتری معماری، عضو هیئت
علمی گروه معماری منظر،
دانشگاه شهید بهشتی

razavini@yahoo.com

مقدمه | باغ ایرانی میراث کمیابی است. معدود نمونه های باقی مانده از این گنج تاریخی برای پایدار ماندن، همواره با کینه های سیاسی، طمع اقتصادی و بی رحمی طبیعت در جدال بوده اند. مصادیق ماندگار و نمونه هایی که تنها شرح و نقش آنها در حافظه مکتوب ملل باقی مانده، شاهد این امر هستند که ادامه حیات این پدیده فاخر بیش از هر چیز مدیون تعلق خاطر مردمان بوده است.

چنانچه پیوندی میان مفاهیم و عناصر بنیادین باغ ایرانی با الگوی حیات امروزی برقرار شود، تعلق خاطر شهروندان همواره و بیش تر از تولید نهاد های رسمی، متضمن بقای این عرصه هاست. با این همه، نبردی

پنهان میان الگوی باغ ایرانی با معیارهای فرهنگی و محک زیبایی شناسی نوین در جریان است. این زور آزمایی، به مثابه فرسایشی مدام بر پایگاه فرهنگی باغ، شاید ناشی از آن باشد که ذائقه شهروند معاصر گاه مبانی زیبایی باغ و ویژگی های این منظر را درک نمی کند. اما بیش و پیش از پالایش ذائقه شهروندان، گشودن باب گفتگو میان پژوهشگران و متولیان امور شهر درباره این موضوع و موضع مهم ضروریست. اجماع بر سر این امر که نمونه های زنده دیوار باغ ایرانی قوت آن را دارند که فراتر از محدوده ارزش باستانی، در حیات امروزی شهر هم دخیل باشند، اراده جمعی و ابتکار عمل مدیران، مجریان و

آفرینندگان مکان های عمومی شهر را هم راستا خواهد کرد. ارزیابی کیفیت امروزی محیط باغ ایرانی را بدون روشن کردن نقش دیوار محاط بر آن در ذهن مخاطب معاصر نمی توان به نتایج قطعی رساند. علاوه بر ارزش ذاتی دیوار در شناخت باغ، تحقیق در ارزش سطوح عمودی شهر در انتقال اطلاعات محیطی، عرصه پژوهشی بسیار زنده و رو به تکامل است. شناخت و لحاظ کردن نقش های مختلف فرهنگی. اجتماعی دیوار از دستاوردهای همین پژوهش های فزاینده است.

با پذیرش ضرورت حفظ اصالت باغ ایرانی، نخستین گام در تقویت و تضمین حیات ماده و معنای باغ، بازشناسی جایگاه



اجزای اصیل آن در ذهن انسان معاصر است. دیوار پیرامونی، با نقش کلیدی در الگوی باغ ایرانی و حضور انکارناپذیر در ترکیب شهر امروزی، از مهم‌ترین اجزایی است که باید به مدد تحقیق در اعاده منزلت کوشید. بنیادی‌ترین اقدام در این راستا درک تأثیر حضور دیوار پیرامونی بر تجربه باغ ایرانی در طول تاریخ و جهان امروز است. با درک اهمیت موضوع "محصوریت" و پیشرفت‌های این حوزه پژوهشی، گام دیگر بررسی دیوار باغ ایرانی به مثابه نوعی از محصوریت با تعاریف و سنجه‌های حاصل از این تحقیقات است. در این چارچوب قطعاً بررسی نقش دیوار باغ در محیط درون آن بر بررسی نقش آن در محیط بیرونی اولویت دارد. نوشته حاضر تلاشی است برای روشن کردن زیرساخت قابل اطمینان ناشی از نتایج پژوهش‌های سه دهه اخیر که می‌تواند دست‌گیر محققین در موضوع باغ ایرانی باشد. به عبارت ساده‌تر، توضیح سؤالات و پاسخ‌های آزموده در باب مفاهیمی چون "محصوریت"، "امنیت" و "ارزیابی هیجانی"، فرصت خوبی است برای آنکه با مرور فهرست داده‌های متقن، چشم‌انداز پژوهشی این حوزه با دقت بیشتری ترسیم شود.

فرضیه | با وجود اهمیت موضوع "محصوریت" در ادراک محیط و پیشرفت‌های این حوزه پژوهشی، دیوار باغ ایرانی به مثابه نوعی از محصوریت با تعاریف و سنجه‌های حاصل از این تحقیقات بازنمایی نشده است. در این چارچوب و با اولویت توجه به مکان خلق شده در درون باغ، این فرضیه طرح می‌شود که مؤلفه‌های ناخودآگاه «ارزیابی هیجانی» در مواجهه انسان با دیوار باغ، زیرنقش ادراک او را از این مکان تنظیم می‌کند. اهمیت ارزیابی هیجانی بر احساس امنیت در باغ ایرانی از این طریق قابل اثبات است.

شناختی از فراشناخت باغ

تذکر و حتی آموزش مفاهیم بنیادین باغ از طریق تحقیقات جاری، بستری مناسب برای این گفتگو ایجاد می‌کند. اما برای پرورش یک ذائقه جمعی، درک اساس ترجیحات انسان و فهم چگونگی تعامل او با محیط نیز ضروری است. با وجود گذشت چهار دهه از شدت گرفتن تحقیقات ادراک محیط، هنوز گلایه‌های فراوانی از پیوند نخوردن دستاوردهای این حوزه با تحلیل و خلق بسته‌های رفتاری به گوش می‌رسد. به عبارت دیگر

شناخت "فراشناخت" ^۱ فضا تأثیر بسزایی در تفسیر مکان نداشته است (Van der Jagt et al, 2014) و مطالعات موجود باغ ایرانی نیز در این مهم استثنا نبوده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف این اتصال یکسان نبودن نتایجی است که از مطالعات به دست می‌آید. در پژوهش ادراک باغ نیز همچون بسیاری از مطالعات روان‌شناسی محیط، هنگامی که مشاهدات میدانی آغاز می‌شود و این مشاهده متکی بر ارتباط کلامی میان پژوهشگر و مردم عادیست، زبان تخصصی، ارتباط شفاف میان این دو گروه را مختل می‌کند؛ در پژوهش منظر درک بسیاری از مردم از کلماتی چون "پیچیدگی" ^۲ و "پیوستگی" ^۳ یا "خوانایی" ^۴ و "مرزآلودی" ^۵ (Kaplan, 1987)، با مفهوم تخصصی این عبارات یکی نیست؛ لذا پاسخ کاربران دقتی علمی ندارد (Van der Jagt et al, 2014). با این وصف، زمانی که بناست باغ ایرانی به زبان بهره‌وران روایت شود، گوش متخصصان ناموخته و زمانی که بناست این روایت علمی شود، زبان مردم نارساست. این کاستی در ارزیابی کیفیت محیط تاریخچه‌ای طولانی دارد که مرور آن در حوصله این مجمل نمی‌گنجد، اما تدبیرهایی در حوزه پژوهش رفتاری برخی از این معضلات را برطرف کرده است. یکی از این تدبیرها جابجایی موضع سؤال از حوزه رفتارهای ارادی انسان به حوزه احوال غیر ارادی بوده است. به طور خاص و نمونه، جابجایی تمرکز پژوهشی از حوزه «شناخت» ^۶ به حوزه «هیجان و انگیزش» ^۷ راهکار موفقی برای پیش‌بینی رفتار و ترجیح

مردم بوده است. از این منظر، در نخستین برخورد انسان با باغ، در تعاملی غیر ارادی ارزیابی اولیه‌ای صورت می‌گیرد که بسیار سریع‌تر از قضاوت آگاهانه رخ می‌دهد. این فرایند که با عنوان «ارزیابی هیجانی» ^۸ شناخته می‌شود، در تعیین علت، شدت و هدف رفتارها در سه دهه گذشته بسیار مؤثر بوده است (Reeve, 2005: 293). جالب آنکه زیرنقشی از این تفکر و حتی توجه به اهمیت ناخودآگاه انسان، در معروف‌ترین پژوهش‌های منظر از ابتدای دهه ۷۰ دیده شده بود ^۹.

با این پشتوانه نظری روش پژوهش به ترکیبی از مصاحبه و مشاهده تبدیل می‌شود و درک آثار پنهان باغ ایرانی و ردیابی اثر برخی مؤلفه‌های مهم آن (همچون دیوار پیرامونی) ممکن می‌شود. نکته مهم در این‌گونه مشاهده، آن است که دقت محقق به سهم مساوی میان درک‌کننده (انسان) و درک‌شونده (در اینجا باغ ایرانی) تقسیم می‌شود. بر این اساس هرچند در تفسیر رفتار انسان مشاوره و اقتدای به رأی صاحب‌نظران علوم رفتاری ضروریست، اما در تفسیر احوال "دیوار باغ" رأی کارشناسان معماری کاملاً معتبر و مستند خواهد بود.

در سایه دیوارهای شهر

حدوداً دو دهه پس از آنکه برج‌های شیشه‌ای مشغول خراشیدن آسمان شدند، جامعه‌شناسان حکم ناکارآمدی فضای عمومی مقابل آنها را صادر کردند. تحت قوانین برخی شهرها، در مقابل این برج‌ها لاجرم پلازاهایی عمومی ایجاد می‌شد، اما به شهادت جامعه‌شناسانی که

تصویر ۱: دیوار باغ غالب برای غالب بودن و القای حریم امن نیاز ندارد تمام میدان دید بیننده را اشغال کند. موفقیت دیوار باغ در آن است که مخفی می‌ماند، اما غالب می‌شود. باغ فین کاشان. مأخذ: آرشیو گنجنامه، ۱۳۹۳.

Pic1: The garden wall is not required to fully occupy the viewer's visibility to provide a prevailing feature and a safe territory. In fact the garden wall is successful in function since it is concealed but prevailing, Fin garden, Kashan, Iran. Source: Ganjnameh archive, 2014.

از ابتدا دل مشغول و شاهد حیات اجتماعی این مکان‌ها بودند، این فضاهای شهری در اکثر موارد مصداق "مکان عمومی مرده" بودند (Sennet 2002, 12). این امر که این محوطه‌های باز و نیمه‌محصور بیشتر برای حرکت طراحی شده‌اند تا برای مکث موجب شده است برخی اعلام کنند آنچه می‌بینیم "مکان رفتن" است و نه "مکان ماندن". چنانچه رهگذر قصد مکث، نشستن و ماندن داشته باشد "غلبه" برج‌های شیشه‌ای احساس شدید در معرض تماشا بودن را به او القا خواهد کرد. این سطوح شیشه‌ای دیگر در آن تعریف «گتورک سیمل»^{۱۰} که دیوارها را عناصر "صامت" و درها را اعضای "سخنگو" در این ترکیب می‌دانست جای نمی‌شود (Brighenti, 2009: 63)؛ این دیوارها از فرط پرگوویی، هم اهالی درون و هم مردم بیرون را به سکوت وادار کرده‌اند. رفته‌رفته و پس از مشاهدات و تحقیقات جامعه‌شناسی بر مکان‌هایی که با دیوارهای نامرئی یا بدون دیوار از هم تفکیک شده بودند (مانند دفاتر و ادارات با پلان باز) به این یافته مهم رسیدند که هرچه حایل‌های عمودی محیط ضعیف‌تر شده یا حذف شده‌اند، تمایل افراد به انزوا در این محیط‌ها بیشتر شده است (Sennet, 2002: 15-16). این معمای "تمایل به انزوا در ملاء عام" با این نظریه جامعه‌شناسی قابل توجیه است:

«انسان‌ها برای آنکه تمایل به رفتار اجتماعی از خود نشان دهند نیاز دارند در معرض مشاهده نزدیک از سوی دیگران نباشد» (Ibid: 15).

مرور آنچه توصیف شد نشان می‌دهد دیوارهای نامرئی و بی‌سایه محصول دوران مدرنیسم نه تنها تعامل اجتماعی را تقویت نکرد، بلکه انزوای خودخواسته شهروندان را در پی داشت. اما هنوز هم پس از گذشت چند دهه از این مطالعات جامعه‌شناسی، آنچه در برنامه و طرح شهر در اولویت قرار دارد حذف موانع حرکتی و بصری به بهانه تقویت تعامل اجتماعی و امنیت است. این در حالی است که در جوامع حرفه‌ای که با اتصال بیشتر با تحقیقات آکادمیک به جلو می‌روند، این سطوح عمودی به شدت پاس داشته می‌شوند و اتفاقاً مناقشه بر سر تصرف و بهره‌مندی از آنها میان طراحان شهری، معماران و هنرمندان بالاگرفته است (Tripodi, 2009).

دستاوردهای این مشاهدات اهمیت بررسی عمیق‌تر مفهوم "محصوریت"^{۱۱} را در ملاحظات طراحی مکان عمومی معلوم می‌کند. مطالعات مغزو و اعصاب نشان داده عکس‌العمل ناخودآگاه انسان به میزان و کیفیت محصوریت در

یک محیط چنان بنیادین است که بخش خاصی از مغز انسان^{۱۲} به طور مستقیم و مجزا به این محرک پاسخ می‌دهد (Stamps III, 2005b). در توضیح مفهوم محصوریت باید دانست این عنوان فقط برای تعریف غلبه دیوار بر ناظر به کار نمی‌رود، بلکه عنوانی برای نشان دادن قابلیت عبور یک پدیده از پدیده دیگر است (Stamps III, 2005a). هر نوع مانعی که به صورت‌های مختلف تسلط انسان بر محیط اطراف یا عبور اطلاعات به سمت حواس او را محدود می‌کند ذیل این تعریف جای می‌شود. این طیف شامل محدودیت حرکتی، بصری، صوتی، بساویی یا ترکیبی از این موارد است. براساس سابقه چندین دهه مطالعه روی عکس‌العمل ناخودآگاه و هیجانی انسان به محصوریت، این امر محرز شده است که انسان با کمک این مفهوم و طی دو ارزیابی میزان "امنیت" خود را در محیط می‌سنجد: در تعریف میزان آزادی "حرکت" برای خود نسبت به دیگران و در تعیین میزان "دریافت اطلاعات محیطی" برای خود در مقایسه با دیگران (Stamps III, 2005b). با این اوصاف محیط باغ ایرانی مملو از عناصری است که باید از این منظر بررسی شوند، اما در مقاله حاضر بر اثر دیوار بر این مهم تمرکز شده است.

مؤلفه‌های هیجانی دیوار باغ

پیش‌تر از آنکه علم به تفسیر و پیش‌گویی دریافت ناخودآگاه انسان مشغول شود، دیوار باغ موضوع مشاهده‌های شاعرانه بوده است. کمتر شاعر بنامی در زبان فارسی پیدا می‌شود که از حصار و دیوار باغ به مثابه حجابی که زیبارویان را از نظر مخفی می‌کند گلابه نکرده باشد. هرچند در یک تعریف کلی در تمام مصادیق ناب معماری ایرانی همواره "آنچه مطلوب بوده در پس و پشت پرده‌ها پنهان است" (حاج‌قاسمی و نوایی، ۱۳۹۰: ۲۱)، اما دیوار باغ با کرشمه‌ای دو چندان، اندکی از منظروف خود را از فراز به رخ می‌کشد و باغ را همچون "گنج پنهان" (همان: ۳۴۴) در خود حفظ می‌کند؛ آنچنان‌که ناظر می‌پذیرد "پری را خاصیت آنست کز مردم نپنهان باشد" (سعدی).

از این رو در تحلیلات روان‌شناختی عنصری با پیشینه شاعرانه دیوار باغ ایرانی، باید این احتمال قوی را در نظر داشت که ذهن انسان امروزی بدون شک از حافظه جمعی زبان بهره‌ای برده است. سؤال این است که آنچه در جایگاه یک عرصه خصوصی محبوب و محفوظ و درون‌گرا بوده است، به مثابه یک عرصه عمومی چه

احوالی را در مخاطب برمی‌انگیزد؟

برای پاسخ به این سؤال پشتوانه نظری و دستاوردهای پژوهشی متعددی در دسترس است. مطالعاتی که در حوزه موضوعی "محصوریت" در فضای شهری و محیط طبیعی صورت گرفته، به تفصیل اثر هیجانی عناصر غالبی چون دیوارهای بلند و درختان تنومند را در ایجاد احوال ناخودآگاه در ناظر معلوم کرده است؛ احوالی چون حس "امنیت" که نقطه آغاز بسیار مطمئنی برای درک اثر دیوار باغ است. در تحلیل تخصصی ارزیابی هیجانی، این شرایط روانی که به صورت غیر ارادی و بعضاً ناخودآگاه بر انسان مستولی می‌شود، ترکیبی است از "غالب بودن"^{۱۳} یک یا چند مؤلفه مهم محیطی و کم‌بودن میزان "تحریک"^{۱۴} این مؤلفه‌ها. در توضیح این اصطلاحات می‌توان از مصادیقی مرتبط با همین بحث مدد جست؛ غالب بودن یک عنصر در ارزیابی هیجانی مخاطب را به پذیرش نقش آن عنصر ترغیب می‌کند. در اینجا بلندای دیوار باغ تصویر غالبی بوده که پیام دورکردن خطر از هر آنچه در درون حصار آن است را به خوبی مخابره می‌کند. در مقابل، تحریک‌کنندگی یک عنصر در محیط ذهن مخاطب را به پرسشگری و تشکیک در نقش آن عنصر و می‌دارد. به عنوان نمونه در مقایسه با دیوار بلند، انبوهی از درختان تنومند سر به هم آورده یک جنگل هم مانعی بصری و غالب، اما تحریک‌کننده است. به این اعتبار که اولاً برای خطری که به سوی ما می‌آید مانع حرکتی نیست و دوم آنکه می‌تواند همان خطر را از چشم مخفی کند و پیام حفاظت از ناظر را به همراه ندارد. با این شرح تحریک‌کنندگی به زبان ارزیابی هیجانی، یا "پیدیدگی منجر به رمزآلودی" به زبان تحقیقات منظر، از اساس در دستور کار دیوار باغ نبوده است. با این وصف جای شگفتی نیست که در فرهنگی که نقش در نقش دیوارهای عمارت هوش از سر می‌برد، دیوار باغ غالباً خالی از نقش است. این هندسه ساده و قاطع، غلبه بی‌قید و شرط و اطمینان بخش دیوار را تضمین می‌کرده است.

از این منظر ارزیابی هیجانی دیوار باغ با بدیهیات دیرین چون محبوب و محفوظ و درون‌گرا بودن در تضاد نیست و همه چیز به تلاش برای خلق حریمی امن منتهی شده است. در نوشتار حاضر ضرورت احساس امنیت در خلوت تاریخی این عرصه خصوصی محل بحث نیست و نیاز به اثبات هم ندارد. آنچه می‌تواند محصول مفید این بحث باشد تفسیر امنیت در ارزیابی هیجانی مخاطب

در نخستین برخورد انسان با پدیده‌های اطراف، در تعاملی غیرارادی ارزیابی اولیه‌ای صورت می‌گیرد که بسیار سریع‌تر از قضاوت آگاهانه رخ می‌دهد. این فرایند با عنوان «ارزیابی هیجانی» شناخته می‌شود. از طرفی «محسوریت» به عنوان شاخص‌ترین ویژگی باغ ایرانی در القای امنیت در ذهن انسان مؤثر است که از طریق مؤلفه‌های «ارزیابی هیجانی» قابل بررسی است. بنابراین در تفسیر مفهوم امنیت در ذهن مخاطب امروزی لازم است آن امنیت ذهنی مولد حس محسوریت واکاوی شود که باغ ایرانی با بلندای دیوارهایش محل دقیق این بحث است.

تحریک‌کنندگی محیط اندکی بیشتر شود که وهم و ترس مانع تمرکز و خیال مطبوع شود یا آنکه غلبه مؤلفه‌های محیطی به حدی رسد که به جای امنیت، اسارت را تداعی کند. پس چنانچه تمرکز حواس و خیال‌انگیزی باغ ایرانی را همان‌گونه که بسیار شنیده و خوانده‌ایم تنها ناشی از درگیری همه حواس بدانیم، تقلیل ظرافت استانداردهای است که در ترکیب این مؤلفه‌های محیطی بروز کرده است؛ درگیری حواس به چه شکل و تا چه حد؟ «گستون باشلار» این‌گونه رویارویی با طبیعت را از قسم ادراک "عظمت مانوس"^{۱۵} می‌داند و در شرح آن فضایی را وصف می‌کند که تن در آن قرار می‌گیرد و ذهن به راه می‌افتد (Bachelard, 1958: 183). تعبیر دیگری از ترکیب به ظاهر متضاد جماعت خاطر و پرواز خیال در حریم امن دیوار باغ؛ "مکان ماندن" به جای "مکان رفتن"^{۱۶}.

امروزی است. در اینجا مفهوم امنیت شهری در یک عرصه عمومی موضوع بحث نیست. بلکه باید آن امنیت ذهنی که مولود حس محسوریت است واکاوی شود. همچنین نقش دیوار باغ در القای امنیت، برخلاف تصور برخی پژوهشگران مokol به رؤیت مدام آن نیست (تصاویر ۲). کافیسست حضور غالب و فراگیر دیوار باغ وجدان شده باشد تا در ارزیابی هیجانی تأثیر بگذارد و چه کسی است که از حضور دیوار باغ بی‌خبر باشد؟ همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ارزیابی هیجانی زیرنقشی است که هدف، شدت و علت رفتارهای شناختی را معلوم می‌کند. "تمرکز" و "تخیل" هردو فعالیت‌های شناختی و نسبتاً ارادی هستند که به بهترین شکل در ترکیب هیجانی شبیه آنچه در باب دیوار بلند باغ کشف شد تحقق پیدا می‌کنند. برای برهم‌ریختن این ترکیب کافیسست

آرامش ذهنی در شهروند معاصر است. در تراکم و تنش حیات شهر امروزی، احساس امنیت که یکی از مظاهر این زیرنقش هیجانی است، بستری را در باغ ایرانی فراهم می‌کند که می‌تواند منجر به "تمرکز حواس" یا "جماعت خاطر" و یا حتی فراتر از آن، موجب "خیال‌انگیزی" باغ باشد. انسان در هیچ مقطعی از تاریخ به این سه رفتار بی‌نیاز نبوده است و برتری این رفتارها بر روزمرگی‌های حیات نیز نیاز به توجیه ندارد. همه آنچه در این مجمل آمد مقدماتی بر تحلیل هیجانی اجزای باغ و مختصری از تحلیل هیجانی دیوار است. بدیهی است در این متن که در جایگاه فتح باب ارایه شده، بررسی تفصیلی تعاریف و شیوه‌های بررسی ارزیابی هیجانی مجاز نیست و حق مطلب ادا نخواهد شد. از سوی دیگر مختصری که تقریر شد وصف حال ناظر دیوار در درون باغ بود. وصف حال رهگذر بیرون باغ خود مجال و مقال دیگریست!

نتیجه‌گیری | تردیدی نیست تحقیق در چگونگی ایجاد پیوند میان اصالت تاریخی و حیات امروزی را در دو جبهه باید پی‌گرفت: نخست شناخت جایگاه تاریخی اجزایی که متضمن این اصالت بوده‌اند، سپس جانمایی این اجزا در الگوی آشکار و فرهنگ پنهان حیات شهروند معاصر. "جانمایی باغ ایرانی در حیات معاصر" در عالم تحقیق مقوله‌ای نوپاست. نگاهی عمیق‌تر به اجزای اصیل باغ ایرانی، تلاشی برای پیوند مجدد با مؤلفه‌های ضروری در پیکر باغ ایرانی است. در همین راستا، تحقیق در باب دیوار پیرامونی باغ و جایگاه آن در الگوهای جدید شهرسازی و مدیریت شهری را می‌توان در اولویت قرار داد؛ چراکه بیش و پیش از بخش‌های دیگر باغ مورد سؤال و تخریب بوده است. دیوار در الگوی باغ ایرانی نقشی مهم و انکارناپذیر دارد. اما آنچه به واقع دیوار باغ را با الگوی حیات شهر معاصر پیوند می‌زند، فراهم‌سازی زیرنقشی هیجانی است که متضمن

پی‌نوشت

۱. metacognition
۲. complexity
۳. coherence
۴. legibility
۵. mystery
۶. Cognition
۷. emotion and motivation: معادل ارایه شده در متن انتخاب رسمی رشته روانشناسی برای این حوزه موضوعی در ایران است.
۸. Appraisal
۹. ریچل و استفان کاپلان که دستاوردهای بی‌بدیلی در این حوزه دارند از ۱۹۷۲ به پژوهش در این زمینه مشغول بودند و مروری بر مقالات متعدد آنها که به چاپ مهم‌ترین کتابشان در ۱۹۹۸ انجامید، نشان می‌دهد علاوه بر تحلیل مصاحبه و پرسش‌نامه ترجیح محیطی، به تفسیر علل پنهان و ناخودآگاه رفتارها و بنیادهای هیجانی آن نیز پرداخته‌اند.
۱۰. Georg Simmel
۱۱. Enclosure
۱۲. (the para-hippocampal place area) PPA
۱۳. dominance
۱۴. Arousal
۱۵. Intimate immensity
۱۶. گستون باشلار با تکیه بر تفکر یونگ مطالعات خود را در باب عالم خیال مکتوب می‌کند و با توجه به اعتقاد یونگ به حافظه جمعی، هردو این متفکران به سبب درگیری با ناخودآگاه ذهن انسان به بحث جاری در این متن مربوط هستند.

فهرست منابع

- نوایی، کامبیز و حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۰). *خشت و خیال*. تهران: انتشارات سروش.

Garden wall, the Safe Realm of Fantasy

Niloofer Razavi, Ph.D. in Architecture, Assistant professor at faculty of Architecture, Shahid Beheshti University, Iran.

تصویر ۲
Pic2



Abstract | The Persian garden schema has created a specific and incontestable role for its surrounding wall. There is no doubt in the need to preserve this component and its effect in historical authenticity of this heritage. However, in exposing the Persian Garden as a Public Arena, there is no acceptable argument in analyzing and interpreting the role of garden wall in urban life. This article reviews the role of garden wall in qualitative perception of modern audience in this enclosure. Reviewing the effect of garden wall on the emotional assessment of environment reveals that scientific observations aligned with poetic scrutiny consider the garden wall as a mean to provide safety in the garden. The concept of safety, regardless of historical justification, has a new role in preparation of focus arrangements which are irreplaceable in the stressful contemporary life of the modern citizens.

Despite the significance of “enclosure” in perception of environment and the research progress of this field, Iranian garden wall has not recognized as a sort of enclosure with the definitions and measures of this study. In this context and with regard to the place created in the garden, the proposed hypothesis is that the unconscious components of “emotional assessment” in confrontation of human with garden wall, Sets his perception of place. The significance of emotional assessment

according to sense of safety is provable in this way.

Keywords | Persian Garden, Garden Wall, Emotion and Motivation, Emotional Assessment, Fantasy.

Reference List

- Bachelard, G. (1958). *The Poetics of Space*. Boston: Beacon Press.
- Brighenti, A. M. (2009). Walled Urbs to Urban Walls- And Return? on the Social Life of Walls. in: *The Wall and the City*, edited by Brighenti, A. M. Trento: Professional Dreamers.
- Gray, B. (1995). *La Peinture Persane*. Geneve: Alberta Skira S.A.
- Kaplan, S. (1987). Aesthetics, Affect, and Cognition: Environmental Preferences from an Evolutionary Perspective. *Environment and Behavior*, (19) 1: 3-32.
- Navayi, K. & Hajighasemi, K. (2011). *Khesht va khial [Adobe and Imagination]*. Tehran: Soroush publication.
- Reeve, J. M. (2005). *Understanding Motivation and Emotion*. New York: Wiley.
- Sennet, R. (2002). *The Fall of Public Man*. London: Penguin.
- Stamps III, A. (2005a). Enclosure and Safety in Urbanscapes. *Environment and Behavior*, (37): 102.
- Stamps III, A. (2005b). Visual Permeability, Locomotive Permeability, Safety and Enclosure. *Environment and Behavior*, (37): 587.
- Tripodi, L. (2009). Towards a Vertical Urbanism Space of exposure as a new paradigm for public space. in: *The Wall and the City*, edited by Brighenti, A. M. Trento: Professional Dreamers.
- Van der Jagt, A., Craig, T., Anale, J., Brewer, M. & Pearson, D. (2014). Unearthing the Picturesque: The Validity of the Preference Matrix as a Measure of Landscape Aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, (124): 1-13.

تصویر ۲: حریم امن باغ چنان امر پذیرفته شده‌ای است که بارها در داستان‌های کهن فارسی، داستان گرفتار شدن حیوانات موذی در درون باغ روایت شده است. مأخذ: Gray, 1995: 165.

Pic2: The safe garden territory is an accepted matter since many ancient Persian stories narrate the sneaky animal's being trapped in the garden.
Source: Gray, 1995: 165.